

حمایت از سگ‌های ولگرد

گزارش هفته

تشر

۴ | ویژه‌نامه حوادث | روزنامه جام‌جم

چهارشنبه ۲۳ خرداد ۱۴۰۳ | شماره ۱۰۶۳

وحید اخباری
تیش

سگ‌های ولگرد همه‌جا پرسه می‌زنند. در معابر عمومی، بوستان‌ها، اطراف خانه‌های مسکونی، جاده‌های بین‌شهری، بیابان‌ها. گاهی تعدادشان آن‌قدر زیاد است که مسافران حتی جرات نمی‌کنند برای دقایقی از خودرو پیاده شوند و در صورت اجبار به پیاده شدن هم، به‌سرعت سوار خودرو می‌شوند تا هدف حمله سگ‌های ولگردی قرار نگیرند که ممکن است مبتلا به هاری باشند. در شهر هم همین وضعیت دیده می‌شود و سگ‌های ولگرد گاهی به صورت تنها یا چندتایی در جایی که مردم در حال رفت و آمد یا خرید هستند، آزادانه حرکت می‌کنند و باعث وحشت عمومی می‌شوند. گرگاس حیوان درنده‌ای حاصل از ترکیب سگ و گرگ است که به‌شدت خوی تهاجمی دارد و تاکنون نیز قربانیان متعددی گرفته. این اتفاقات مرگبار در حالی رخ می‌دهد که همچنان عده‌ای به نام حامیان سگ‌های ولگرد، بدون توجه به این فجایع، شب و روز در حال غذاسازی به آنها در کوه، جنگل، بیابان و حتی شهرها هستند و در صورت اعتراض مردم با برخورد تند و خشن حامیان سگ‌ها مواجه می‌شوند. براساس گزارش ایسکانیوز، افزایش جمعیت سگ‌های ولگرد می‌تواند عواقب جبران‌ناپذیری برای انسان داشته باشد. کمالین که بنابر گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس، سگ‌ها سومین حیوانات کشنده برای انسان‌ها هستند. براساس این گزارش روزانه ۸۹ نفر در سطح جهان، جان خود را بر اثر حمله سگ‌ها از دست می‌دهند. مرور اخبار حوادث در رسانه‌های رسمی کشور از مرگ ۲۵ تا ۵۰ نفر به‌ویژه کودکان در هر سال در اثر حمله این سگ‌های ولگرد خبر می‌دهد.

قربانیان سگ و گرگاس

حسین شاه‌محمدی هفت‌ساله، تازه‌ترین قربانی گرگاس‌هاست که مدتی پیش او را در روستایی در ده‌لیان استان همدان دریدند و کشتند. روز حادثه، او همراه با پدرش به صحرا رفته بود که پدرش او را تا نیمه راه روستا همراهی کرد و خودش دوباره به صحرا برگشت. مدتی بعد، حسین تصمیم گرفت

دوباره نزد پدرش برود که ناگهان یک گله گرگاس قوی هیکل به او حمله‌ور شدند. حمله گرگاس‌ها به حسین کوچولو چنان برق‌آسا بود که حتی ثانیه‌ای فرصت نکرد از پدرش که فاصله کمی با او داشت، کمک بخواهد. درحالی‌که گرگاس‌ها مشغول دریدن تن نحیف حسین بودند، دو نفر از هم‌روستاییان از دور متوجه تجمع گرگاس‌ها شده و برای کنجکاوای به محل نزدیک شدند. وقتی به محل رسیدند، تنها تکه‌پاره‌ای کوچک از تن حسین باقی مانده بود. با فرار گرگاس‌ها پدر حسین هم از ماجرا مطلع و به محل رفت. او ابتدا پسرش را شناخت اما با کمی دقت، تازه متوجه شد تکه‌پاره‌های بدن روی زمین متعلق به جگرگوشه خودش است.



مرگ خواهر دوقلو

عسل عابلی‌نژاد هم اواخر اردیبهشت طعمه یک سگ ولگرد در نکا شد. روز حادثه، او و خواهر دو قلو چهارساله‌اش، غزل با پدرشان در جاده در حال راه رفتن بودند که یک سگ ولگرد بی‌سروصدا به عسل حمله کرد و صورتش را گاز گرفت. نبرد عجیبی بین سگ، دوقلوها و پدر آغاز شد. پدر سعی می‌کرد از بچه‌هایش محافظت کند اما هرکدام را نجات می‌داد. سگ به دختر دیگر حمله می‌کرد. سگ دست‌بردار نبود و این بار لباس عسل را گرفت تا کشان‌کشان او را به کناره رودخانه ببرد که پدر، دخترش را نجات داد. همان لحظه پدر او را به مرکز درمانی منتقل کرد و یکسری اقدامات درمانی روی او انجام شد و تا ۱۰ روز مشکلی وجود نداشت اما کم‌کم علائم هاری خودش را در ظاهر عسل نشان داد. او را دوباره به بیمارستان بردند اما کار از کار گذشته و ویروس هاری تمام بدن نحیف عسل کوچولو را تسخیر کرده بود. دخترک دیگر توانی برای مبارزه با این ویروس مرگبار نداشت و از دنیا رفت.

مافیای حمایت از سگ‌های ولگرد

چندین انسان در سال حیات وحش کشور هم در حال نابودی است و تعداد زیادی حیوان هر سال طعمه این سگ‌های ولگرد می‌شوند و هر بار حرف از یوتانایز می‌شود، همان مافیا جلوی آن را می‌گیرد. ماجرا فقط به پول شهرداری‌ها به پیمانکارها محدود نمی‌شود. هرکدام از این افراد سودجو با فعالیت‌های مجازی، شماره حساب اعلام کردند، چهار فیلم از غذا دادن به سگ‌ها گرفتند و با پخش یک آهنگ جانسوز، ملت را سرکیسه کردند.»

کردند وانت وانت غذا دادن به سگ‌های ولگرد در بیابان و حاشیه شهرها، سگ‌ها هم که حالا سیر شده بودند در افزایش نسل سنگ‌تمام گذاشتند، توله پشت توله و با این روند، جمعیت سگ‌های ولگرد به صورت انفجاری افزایش یافت. مافیا تبلیغات کردند، از مجری شبکه‌های ماهواره‌ای و سلبریتی‌ها تا هر ابزاری برای توسعه کسب‌وکارشان استفاده کردند و به این ترتیب، یک جنبش عظیم غذاسازی به سگ‌های ولگرد راه افتاد. با این روند، آمار سگ‌گزیدگی از ۲۰۰ هزار در سال گذشت، علاوه‌بر کشته شدن

چون یوتانایز، یعنی سگ کمتر، سگ کمتر هم یعنی آجر شدن نان پیمانکار. این باعث ایجاد یک کاسپی شد که هرچه سگ بیشتر، نان و در آمد هم چرب‌تر! به مرور زمان برخی افراد به ساخت قفس و طویله مشغول شدند و نام آن را پناهگاه گذاشتند. آنها سگ‌ها را زنده‌گیری کرده و با آمپول و قرص نگهداری می‌کردند، آنهایی که کمی دلسوز بودند از هر ۱۰۰ سگ، چهار سگ را عقیم و دوباره در بیابان آزاد می‌کردند تا چندوقت بعد دوباره سگ‌ها را گرفته صورت وضعیت رد کنند و روز از نو و روزی از نو و کسب درآمد بیشتر. به این ترتیب، دکانی از بیت‌المال برای افراد سودجو ایجاد شد، سگ‌ها در هر منطقه مثل متکدیان سر چهارراه، حساب کتاب و صاحب خودشان را داشتند. حتی این مافیا از هم سگ می‌دزدیدند، توله‌کشی به‌راه افتاد، در این حرفه هرچه تعداد سگ بیشتر باشد، درآمد هم بیشتر است. تمام سگ‌ها غذا می‌خواستند و برای همین، زرتنگ‌ترها پناهگاه‌شان را نزدیک مراکز دفن پسماند تاسیس کردند تا این مشکل هم حل شود. رقابت‌ها بر سر سگ‌های ولگرد رفته‌رفته بالا گرفت و برخی افراد سودجو با این درآمد‌های میلیاردی گردن‌کلفت شدند و مافیا شکل گرفت. با شعار حیوان دوستی شروع

حامیان سگ‌های ولگرد مدت‌هاست که آزادانه و بدون توجه به خسارات بی‌شمار جانی این حیوانات، همچنان به غذاسازی به آنها ادامه می‌دهند. اگر هم مردم اعتراض کنند، به بدترین و شدیدترین الفاظ به معترضان حمله کرده و آنها را متهم به ضدیت با سگ‌ها می‌کنند. برخی افراد نیز از حامیان سگ‌های ولگرد حمایت کرده و اگر سگی کودک یا بزرگسالی را تلف کند می‌گویند سگ‌ها به انسان‌ها کاری ندارند و اگر به کسی حمله می‌کنند، مقصر آن فرد است و نه سگ. مهدی نبیان، کارشناس ارشد محیط‌زیست با اشاره به وجود مافیای سگ‌های ولگرد می‌گوید: «قبل از سال ۱۳۸۷، شهرداری‌ها سگ‌های ولگرد و خطرناک را توسط میرشکارها با گلوله می‌کشتند، در نتیجه جمعیت تحت کنترل بود، آمار سگ‌گزیدگی تقریباً ثابت و زیر ۱۰۰ هزار گزش در سال بود اما در سال ۱۳۸۷، برخی با شعار حمایت از سگ‌ها، قانونی تدوین کردند که باید پناهگاه تاسیس شود، سگ‌ها با دارت، تفنگ بیهوشی و ... زنده‌گیری و به پناهگاه‌ها برده شوند، در در آنجا سگ‌های سالم عقیم شده و به مردم واگذار شوند. سگ‌های بیمار هم باید یوتانایز (مرگ بدون درد) شوند. از این تاریخ میرشکارها کنار گذاشته شدند و کار به دست پیمانکاران افتاد، تمام قسمت‌های دستورالعمل اجرا می‌شد به غیر از بند آخر، چرا؟

